

ادبیات ایران در هزاره دوم...

بقیه از صفحه ۱۷

بالاترین علاقه او در کسب قدرت و ثروت خلاصه میشد و برای پیشبرد مقاصد خود از به کار گرفتن حيله و دروغ و بیرحمی پروائی نداشت.

آقا محمد خان با توجه به اینکه ارتش را ابزار نیل به قدرت میدانست در رسیدگی به وضعیت سربازانش کوتاهی نمیکرد. او جامه فاخر نمیپوشید، غذای لذیذ نمیخورد، معمولاً بر روی زمین و در کنار سربازانش مینشست و غذای خود را که معمولاً نان جو و ماست بود میخورد. او برخی رسوم را که پیش از او رایج بود ممنوع کرد، از جمله به دستور او رسم پیشواز از شاه ممنوع اعلام شد و دستور داد فرمانهای دولتی را به زبان ساده پارسی بنویسند. از جمله رسومی که آقا محمد خان بنیاد گذاشت مالیات بستن بر ریش بود. ژان گوره نویسنده فرانسوی در کتاب «خواجه تاجدار» اشاره میکند که شاه قاجار که خود به دلیل خواجه بودن ریش نداشت و از این موضوع ناراحت بود شش نوع مالیات برای ریش معین کرد که تا زمان شیخ ویس خان و حملات او بر قرار بود.

آقا محمد خان جثه ای لاغر و سیمائی مهیب داشت، با وجود مقطوع النسل بودن در حرمسرای او شمار قابل توجهی از زنان روزگار میگذرانیدند. او از دوران جوانی با نواختن سه تار آشنائی داشت.

در ایران دوران آقا محمد خان مانند دورانهای گذشته از آزادی نشانی نبود اما دوران او آخرین دورانی است که ایران مستقل بود. پس از او ایران زخم خورده و بخون کشیده شده آماج بازیگریهای دول قدرتمندی شد که به استقلال ایران خاتمه داده و آنرا بازپچه سیاستهای استعماری خود کردند.

سیمای مذهبی آقا محمد خان

آقا محمد خان قاجار علیرغم تمام بی رحمی هایش، فردی مذهبی بود و اتفاق می افتاد که گاه در هنگام زیارت در مشهد از خود بیخود شود و حالت بی خویشی و مدهوشی به او دست دهد و گاه نیمه های شب برخیزد و نماز شب به جای آورد، با این همه او از بدام افکندن برادرانش به حيله و نیرنگ و قتل آنان پروائی نداشت.

به قول سعید نفیسی دارای تمام معایب عمومیش بود ولی از نقاط قوت او بهره ای نبرده بود.

سیمای تاریخی فتحعلیشاه

مختصات وارث سلطنت قاجار را در یکی از پر آشوب ترین ایام تاریخ ایران و آغاز توطئه های دولت های اروپائی و روسیه تزاری علیه ایران، میتوان چنین بر شمرد:

عدم شجاعت و تدبیر، مال دوستی و ثروت اندوزی و خست، اعتقاد به خرافات و جادو و طلسمات و روی آوردن به ذکر و دعا در شرایط خطیر، شهوت لجام گسیخته او در علاقه به زنان و گرد آوری آنان در حرمسرا که او را تالی شاه سلطان حسین صفوی قرار داده است. نوشته اند در مدت حیات خود بیش از هزار زن از نژادهای مختلف و سرزمینهای گوناگون گرفت که اسامی ۱۵۸ تن از آنان و اسامی بیش از ۲۶۲ تن از فرزندان ثبت شده است. در «تاریخ ایران» تالیف حسن پیرنیا و عباس اقبال شمار زنان او تا دو هزار تن ذکر شده است. در «روضه الصفا جلد دهم» مجموع حرم و خدمتگزاران و ابواب جمعی حرم فتحعلیشاه بیش از ده هزار نفر بوده است و گاه چهل تن از زنان زیبا روی شاه، مجلس بزم او را گرم نگاه میداشتند.

در حرمسرای او انواع وسایل عیش و عشرت و از جمله سرسره معروف او مهیا بود. این سلطان قاجار آنقدر در شناخت زنان خیره بود که گاه با مشاهده دخترکی چهار ساله برآورد میکرد که در آینده از زیباییان روزگار خواهد شد و از همان سن چهار سالگی او را روانه حرمسرا میکرد. با این همه خاقان خرافاتی و مذهبی تنها به زنان اکتفا نمی کرد و گاه در کمند عشق پسران زیبا روی گرفتار می شد.

این زمره به جوان زیبای کفشدوزی دل باخت و برای دست یابی به او شغل مهمی را در دربار به او سپرد. مساحت بستر شاه را صد متر مربع ذکر کرده اند. به نقل از «تاریخ عضدی» هر شب شش تن از بانوان حرم در این بستر وسیع کار خدمت به شاه را بر عهده داشتند. مسئولیت گسترده بستر شاه و سازماندهی عیش و عشرت شبانه را یکی از زنان شاه به نام بیگم جان خانم بر عهده داشت. بنا بر روایت همین ماخذ هر شب دو نفر از زنان به نوبت وظیفه داشتند که هر وقت شاه از پهلویی به پهلویی میغلطد کنار او دراز کشیده و پشت و شانه های او را در آغوش بگیرند و دو زن نیز به نوبت کار مالیدن و نوازش

پاهای شاه را به عهده داشتند یک نفر از زنان برای شاه قصه میگفت و نفر ششم تا صبح فرمانبر دستوره های گاه و بیگاه شاه و آوردن نوشیدنی و غذا برای او بود. فعالیت های شاه در حرم تعداد کسانی را که خون شاهزادگی در رگ داشتند به سه هزار و هفتصد تن رساند و این جماعت عظیم در طول سالیان به طور غالب کاری جز مکیدن خون مردم و گذرانی همراه با عیش و نوش نداشتند. هوسرانیهای فتحعلیشاه در سن پنجاه سالگی از او مردی بیمار و شکسته و ضعیف به وجود آورد که میبایست به طور دائم تحت معالجه و مراقبت پزشکان باشد.

فتحعلیشاه با توهمی شگفت که گاه به مرز مضحکه نزدیک می شد خود را ترین و شجاع ترین مرد روزگار میدانست و نوشته ای که در دوران حیاتش در این باره به دستور او تهیه شد و بنام «شمایل خاقان» معروف است نشان دهنده این توهم شگفت است.

فتحعلیشاه در دوران حکومت خود چه در زمینه خارجی و چه در زمینه داخلی با مشکلات فراوان روبرو بود. بازماندگان خاندان صفوی و افشار، شماری از سرداران آقا محمد خان و برخی از نزدیکان او از جمله برادرش از مدعیان او بودند اما فتحعلیشاه در زمینه داخلی با کور کردن عمومیش، سرکوب صادق خان شقاقی، کور کردن محمد خان زند پسر زکی خان زند و شکست دیگر مدعیان موفق شد بنیان سلطنت خود را حفظ کند. در سال ۱۲۱۵ هجری، ۱۸۰۰ میلادی، فتحعلیشاه از قدرت و نفوذ حاجی ابراهیم کلانتر - اصلی ترین عامل شکست لطفعلیخان و انتقال سلطنت به خاندان قاجار و سپس فتحعلیشاه - دچار وحشت شد و دستور داد در یکروز وزیر و تمام نزدیکان و وابستگان او را دستگیر کرده و به کشتار جمعی و کور کردن آنان فرمان داد. حاج ابراهیم کلانتر را نیز ابتدا کور کرده و سپس زبانش را بریدند و او را روانه قزوین کرد و وزیر شاه ساز و مقتدر در آنجا مرد.

پس از حاج ابراهیم کلانتر وزارت شاه را میرزا محمد شفیع مازندرانی به عهده گرفت. در دوران میرزا شفیع کار برادر شورشوی فتحعلیشاه با کور شدن و کارنادر میرزا افشار پسر شاهرخ افشار با کشته شدن او و کور شدن نزدیکانش به پایان رسید.

ادامه دارد